

## یادکردهای دین زرتشت در متون مانوی\*

ابراهام ویلیامز جکسن  
داریوش احمدی

### اشاره

از سال ۱۹۰۳ م. به بعد، به دست آمدن اوراقی بسیار، از ویرانه‌های چند معبد مانوی در ترکستان چین، که به زبان‌های پارسی، پارسی میانه، سغدی، ایغوری، و چینی نوشته شده و حاوی آموزه‌های مانوی بودند، آگاهی‌های کلان و بی‌نظیری را دربارهٔ دین مانی در اختیار پژوهشگران این دین گذاشت. این قطعات پراکنده، شامل سرودها، نمازها، اعترافات، رسالات دینی، و نیز بخش‌هایی از کتاب‌های شخص مانی‌اند. این متون به خط ویژهٔ مانوی، که از خط سریانی برگرفته شده بود، و غالباً با بهره‌گیری از هنر خوش‌نویسی و تذهیب، نگاشته شده‌اند.

دین زرتشت، در مقام یکی از ادیان متنفذ آسیای کهن، چنان‌که از آموزه‌های مانوی برمی‌آید، تأثیرات گسترده‌ای را در انگاره‌های یزدان‌شناسی و کیهان‌شناسی دین مانی بر جای نهاده بود، و از این رو، در نزد مانی و پیروان او، کیش زرتشت به عنوان دینی پیشرو، حقانی و الهام‌بخش، دارای جایگاه بسیار برجسته‌ای بود. مقالهٔ حاضر، با بررسی شماری از اوراق مانوی به دست آمده از ترکستان چین، یادکردهای صریح و

\* مشخصات کتاب‌شناختی این اثر از این قرار است:

A. V. Williams Jackson, "Studies in Manichaeism", in *Journal of the American Oriental Society*, vol.43, 1923, pp.16-19.

این مقاله پیش از این در شمارهٔ بیست و چهارم چاپ شده بود، اما به دلیل اشتباهات و برایشی و تاپهی صورت گرفته در آن، و با عرض پوزش از مترجم محترم، مجدداً تقدیم می‌گردد. (هفت‌آسمان)

ضمنی زرتشت و دین او را در این متون شناسایی و معرفی نموده است تا بدین وسیله، ابعاد تأثیرگذاری دین زرتشت بر کیش مانی، شفاف تر و آشکارتر گردد.

گفتار معروف ابوریحان بیرونی [به نقل از شاپورگان مانی]، که در آن از مانی چنین یاد شده است که وی زرتشت، بودا، و عیسی را در مقام پیشروان دینی خود شناخته و تصدیق نموده، و مدعی آمدن به گیتی جهت اتمام آگاهی و تعالیم الهی شده است، چنان شهره است که نیازی به نقل آن در اینجا وجود ندارد.

۱. در وهله نخست، نام زرتشت به شکل ترکی *Zrōšc*، که در زبان چینی به صورت *Sou-Iou-che* درآمده و رواج یافته (چنان که «لکوک» نشان داده و «گوئی» به طور قانع کننده‌ای از طریق شواهد زبان شناختی تأیید نموده است)، به عنوان یک «پیامبر الهی» در قطعات مانوی ایغوری به دست آمده از ایدیقوت - شهری یافته می شود.<sup>۱</sup> نام زرتشت همراه با لقب روحانی او (*Zrōšc Burxan*)، کمابیش ده بار در این قطعات ویژه، که پاره‌های افسانه‌ای را دربارهٔ پیکار میان این فرد مقدس و جادوگران و دیوان در بابل حفظ کرده‌اند، تکرار می شود. شهر بابل، در پیوند با زندگی مانی و حتی زرتشت، بر پایهٔ افسانه‌ای نامعتبر دربارهٔ زندگی وی، دارای حرمت و تقدس بوده است.<sup>۲</sup> در هر حال، این قطعهٔ مدفون در شن یافته شده در ترکستان چین یادمان‌های مربوط به برخی داستان‌های زرتشتی کهن را، که لابد در میان مانویان رایج بوده، نگاه داشته است.

۲. نه تنها در قطعهٔ پیش گفته، بلکه در یک قطعهٔ تورفانی نوشته شده به زبان پهلوی و محفوظ در مجموعهٔ برلین، اشارهٔ صریحی به زرتشت (*Zardūšt / Zorodušt*) وجود دارد، که در آن، از وی در کنار فرشتهٔ ایرانی، سروش (*Srōš*) یاد می شود. این یادکرد در یک سرود کهن مانوی، که حاوی یادمان‌هایی از باورداشت‌های زرتشتی دربارهٔ بازیداری روح انسان (یعنی انسان نخستین، گیومرت) است، یافته می شود. با وجود این، متأسفانه خود متن هنوز منتشر نشده است، اما مندرجات آن در نوشتاری آلمانی از استاد آندرتاس، تجدید چاپ شده در کتاب *Des iranische Erlösungsmyterium* رایتزشتاین (بُن، ۱۹۲۱، ص ۳) در دسترس است.

۳. افزون بر این، در قطعهٔ تورفانی دیگری نیز، ارجاعی وجود دارد به «کتاب

۱. رک: ا. لکوک، *Sitzungsber. Preuss. Akad.* ۱۹۰۸، ص ۳۹۸، ۴۰۱-۴۰۰ همان ۱۹۰۹، ص ۱۲۱۶، یادداشت ۲؛ و بسنجید بار. گوئی *Mém. Soc. Linguistique* ۱۶ (۱۹۱۱)، ص ۳۲۰.

۲. رک: ا. و. جکسن، زرتشت، پیامبر ایران باستان، ص ۹۱-۹۰.

زرتشتیان» (zardruštagān nibēg) که حاوی اشاره‌ای به آیین‌های معینی بوده که در چهاردهمین روز از ماه زرتشتی تیر انجام می‌شده است. این متن چنین خوانده می‌شود:  
*ud pad any-z zardruštagān nibēg a'ōn nibēsēd ku pad čahārdad rōz ī tūrmā kunišn ō kunišngar...*

و در دیگر کتاب زرتشتیان چنین نوشته شده است که: در چهاردهمین روز تیرماه کُنشی، کُنش‌گر را [بایسته است]...

M. 16. 20-22 (Müller, *Handschriften - Reste in Estrangelo - Schrift aus Turfan, Chinesisch - Turkistan*, II, APAW 1904, p.94).<sup>۱</sup>

۴. اشاره احتمالی دیگری نیز به زرتشت، به عنوان پیشرو مانی، همراه با یادکردی از عیسی، در یکی دیگر از متن‌های مانوی وجود دارد. این قطعه ناقص چنین آغاز می‌شود:  
*lllll nangbēd ud pēšōbāy ī dēn māzdēs, ...*

[...] سرور نامدار و پیشوای دین مزدیسنا...

M. 543. 1-3 (Müller, II, p.79)

هر چند نام زرتشت، با توجه به پارگی ابتدای صفحه (lllll)، در این قطعه افتاده است، اما گذاشتن آن در کنار *dēn māzdēs* این گمان را موجه می‌سازد، به ویژه آن‌که به دنبال این بند (سطر ۷)، به مهین فرشته زرتشتی، بهمن (Wahman)، اشاره‌ای می‌گردد. در ادامه این قطعه، خود مانی، به عنوان آوایی نو، و دهنده احکامی راست‌باورانه به مؤمنان، مستقیماً در سطرهای ۲-۳ مورد اشاره قرار می‌گیرد:

*tū nōg hammōzāg ī xwarāsān, ud rāyēnāg ī wahedēnān*<sup>۲</sup>

تو آموزگار نوین خاوران و سامان‌دهنده نیک‌دینان [ی] (= مانویان)<sup>۳</sup>

مضمون سطرهای ۷-۴ این قطعه (*čē zād hē... andar tōhm īg šahriyārān*) که در تبار شهریاران زاده است) حقانیت مانی را در خویشاوندی با مقام پیامبری نشان می‌دهد؛ و بلافاصله پس از آن، یادکرد صریحی از «عیسای باکره [زاده]» (*višō kanīg*) به عنوان یکی دیگر از تجلیات الهی (*sanān*) می‌آید. بنابراین، با نتیجه‌گیری از همه این ترتیب‌ها و کنارهم‌گذاری‌ها، این پیشنهاد که عبارت «سرور نامدار دین مزدیسنا» به شخص زرتشت

۱. ویرایش جدید قطعه نقل شده، از این منبع گرفته شده است:

M. Boyce, *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Leiden, 1975, pp.184, text: dn (مترجم).

۲. همان، ص ۱۴۹، منی cqa (م).

۳. عنوان *wahe dēn* (= نیک دین) در جاهای دیگری از قطعات مانوی نیز به طور ویژه‌ای برای دین مانی به کار رفته است.

اشاره دارد، موجه به نظر می‌رسد. اتفاقاً اشارهٔ ضمنی دیگری نیز در یک قطعهٔ ترکی مانوی به «دین مغانه» (*moγuč nomīn*) وجود دارد (T. M. 170 سطر ۱۰، ویراستهٔ لکوک، Chotscho، ج ۳، فرهنگستان برلین، ۱۹۲۲، ص ۳۹).

۵. با توجه به قطعه‌ای که در بالا ارائه گردید، و با در نظر گرفتن اشارهٔ ابوریحان بیرونی به این‌که مانی، زرتشت، بودا، و عیسی را به عنوان پیشروان دینی خود شناخته و تصدیق کرده بود، می‌توانیم قطعهٔ پهلوی تورفانی دیگری را نیز به میان آوریم. اما پیش از این کار، می‌بایست گواهی دیگر ابوریحان را، مبنی بر این‌که «مانی پس از شناخت مذاهب ثنویه و مجوس و نصارا ادعای نبوت کرد»<sup>۱</sup> اضافه کنم و این گفته را با سندی از فهرست ابن‌ندیم، حاکی از این‌که «مانی مذهب خود را از مجوسی‌گری و مسیحیت بیرون آورد»<sup>۲</sup>، و نیز با افزودن این سخن شهرستانی که «دین مانی آمیخته‌ای از دین مجوسی و مسیحی بود»<sup>۳</sup> تکمیل نمایم.

با در نظر گرفتن همهٔ این اشارات، این گمان را (اما فقط یک گمان، تا زمانی که قطعات بیش‌تری به دست آید) می‌توان مطرح کرد که همان سه پیشرو دینی بزرگ مانی با عنوان «سه پسر خدا» در سطور معینی از یک سرود طولانی مانوی دربارهٔ ستایش، نماز و فرش‌گرد (که این خود عنوان زرتشتی نوسازی فرجامین جهان است) مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این قطعه چنین خوانده می‌شود:

*āsāh, man bōzāgar, pad istāwišn, an īwag baymār mānī adhrē baypuhrān*

بیا، (ای) منجی‌ام، به ستایش، (ای) بغ زنده! مانی سرور! با سه پسر خدا

M. 4, par, 4, lines 10-13 (Müller II, p.54<sup>m</sup>)

در این پیوند، این نکته را باید در نظر داشت که همین نسبت *bagpūhr* (= پسر خدا) در نقل قولی مانوی از کتاب عهد جدید (M. 18,1,3 = Müller II, P.34<sup>t</sup>)، که البته ترجمهٔ عبارتی از تورات است، دوبار برای عیسی به کار رفته است. افزون بر این، مانی در قطعاتی، «فرزند یزدان» (*Māni yazdān frazēnd*)<sup>b</sup> (M. 311,1 = Müller II, p.66<sup>b</sup>) خوانده شده و گویا «ای پسر یزدان» (*īwōn yazdān pūhr*)<sup>b</sup> (M. 32,3 = Müller II, p.62<sup>b</sup>) نیز خطاب گردیده است؛ در حالی که زرتشت و بودا، دو تن دیگر از سه پیشرو معنوی مانی، در قطعات مانوی ترکی، چنان‌که پیش‌تر یاد شد، به طور جداگانه با عنوان *Burxan* «بیامبر

۱. الآثار الباقية، ترجمهٔ اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۳۰۸ (م).

۲. محسن ابوالقاسمی، مانی به روایت ابن‌ندیم، انتشارات طهوری، ۱۳۷۹، ص ۱۷ (م).

۳. رک: شهرستانی، ترجمهٔ هاربوخر، ۲۸۵/۱؛ و بسنجید با فلوگل، مانی، ص ۱۶۵.

الاهی» معرفی شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که دلایلی برای این‌که «سه پسر خدا» را در این قطعه، اشاره‌ای به زرتشت، بودا، و عیسی بدانیم، موجود است. در هر حال، تا زمانی که قطعات بیشتری چاپ یا کشف شوند، این پیشنهاد در حد یک فرضیه باقی خواهد ماند.

### سرود زرتشت\*

سرود مانوی محفوظ در دست‌نویس M-7-1 (نگاه کنید به تصویر ضمیمه این گفتار)، شعری است به زبان پارسی که در آن به روشنی از زرتشت، پیام‌آور مزداپرستی، یاد گردیده است. در این قطعه، زرتشت، به عنوان نماینده پیامبران نخستین با روح یا نفس زنده (*grīw*) که در دام و مغاک جهان مادی درافتاده و گرفتار آمده است، سخن می‌گوید، و او را به سوی بیداری و خودشناسی و رهایی رهنمون می‌گردد.

این گروه از اشعار مانوی، که به زبان‌های ایرانی میانه سروده شده‌اند، نه تنها بر اصالت و غنای شعر و ادب ایران در اعصار باستانی گواهی می‌کنند، بلکه نایابی یادکردهای بومی زرتشت را در اسناد دوران پیش از اسلام، به خوبی جبران می‌نمایند. در ادامه، متن اصلی (پارسی) این قطعه و ترجمه‌ای را که از آن به دست داده‌ام، می‌خوانید:

*ag kāmēd, u-tān aβδēsān az wigāhūfti čē pidarān hasēnagān.*

*bōžāgar ardāw zarhušt, kad-iš wyāwurd aδ grīw wxēbē,*

*garān mastīft ku xuft ištē, wirrāsā ud ō man wēnāh.*

*drōd abar tū az šahr rāmišn, čē az wasnāδ tū frašūd hēm.*

*haw-iš wyāwurd hō az az hēm srōšāw anāzār \*nāzōg zādag,*

*wimixt ištām ud zār wēnām. izwāy-om az maran āyōz.*

*zarhušt ō hō pad drōd pursād wažan hasēnag, manān handām.*

*žīwandagān zāwar ud masišt gēhān drōd abar tū az padīšt wxēbē.*

*haxsāh ō man, namrīft zādag, pusag rōšn pad sar awestā.*

*tāwagān zādag, kē kird \*ay iskōh, ku čīd bixšēh pad harw wyāgān...<sup>1</sup>*

\* این گفتار را، که شامل متن اصلی و برگردان فارسی یک سرود مانوی مرتبط با موضوع این نوشته است، و در زمان ابراهام جکسن هنوز ناشناخته بوده است، به جهت تکمیل مقاله جکسن افزوده‌ام (مترجم).

1. F. C. Andreas and W. B. Henning, *Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch - Turkestan* III, SPAW, Berlin, 1934, p.872; M. Boyce, *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*,

اگر خواهان اید، گواهی پدرانِ نخستین را به شما آشکار کنم:  
 زرتشتِ رهایی‌بخش پارسا، آن‌گاه که با نفسِ خویش سخن می‌گفت،  
 [چنین گفت:] «مستیِ بزرگی است [این] که خفته‌ای، بیدار شو و مرا بین!  
 درود بر تو از شهرِ رامش (= بهشتِ روشنی)، چه از برای تو فرستاده شده‌ام».  
 او (نفس) نیز پاسخ داد: «من، منم، نازک‌زاده‌ی آزارِ سروشاو (= پدرِ بزرگی).  
 [با جهان مادی] آمیخته‌ام و آزارِ بینم. مرا از آغوشِ مرگِ رهایی بخش».  
 زرتشت با درود [گویی] از او پرسید: «آیا تو [واژه‌ی نخستین، اندامِ منی؟  
 نیرویِ زندگان و درودِ بزرگ‌ترین کیهان از پایگاهِ خویش بر تو] باد!  
 پیرو من [باش ای] زاده‌ی نرم‌خویی، بساکِ روشنی بر سر بگذار!  
 ای زاده‌ی توانایان، چه کسی بی‌نوایت کرد؟ که همواره در همه‌جا [چنین] گدایی  
 [می‌کنی]...»<sup>۱</sup>.

